



اهمیت سوره عصر در صدر اسلام / ارتباط سوره عصر با حکومت جهانی دوران ظهور و رجعت

یکی از سوره‌های مهم قرآن کریم، سوره مبارکه «عصر» است. این سوره، به اندازه‌ای نزد مسلمانان صدر اسلام اهمیت داشته که از آیات آن به عنوان تعارف و احوال‌پرسی استفاده می‌کرده‌اند. یعنی در مواجهه با یکدیگر، بعد از سلام، یک نفر قرائت سوره عصر را آغاز می‌کرده و نیمی از آن را می‌خوانده و دیگری در جواب، نصف دیگر آن سوره را می‌خوانده است:

خبرگزاری مهر- گروه دین و اندیشه: یکی از سوره‌های مهم قرآن کریم، سوره مبارکه «#عصر؛ است. این سوره، به اندازه‌ای نزد مسلمانان صدر اسلام اهمیت داشته که از آیات آن به عنوان تعارف و احوال‌پرسی استفاده می‌کرده‌اند. یعنی در مواجهه با یکدیگر، بعد از سلام، یک نفر قرائت سوره عصر را آغاز می‌کرده و نیمی از آن را می‌خوانده و دیگری در جواب، نصف دیگر آن سوره را می‌خوانده است:

اهمیت سوره عصر در صدر اسلام

«#بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، وَ الْعَصْرُ ، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ، إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا

اهتمام و توجه ویژه مسلمانان به این سوره، نشانگر محتوای والا و معانی ارزشمند و کاربردی آن در زندگی است. اگر در جامعه فعلی نیز این سوره سرمشق و مورد توجه باشد، افراد جامعه به سعادت دنیوی و اخروی دست خواهند یافت.

معانی و مفاهیم آیات سوره عصر

این سوره، از محکمات قرآن کریم است. اگر انسان کمی با ادبیات عربی آشنا باشد، می‌تواند این سوره را به خوبی معنا کند. البته بیان معنای حقیقی «#وَالْعَصْرُ؛ که پروردگار عالم قسم به عصر خورده است، مشکل است. اما بقیه کلمات این سوره، از محکمات هستند و همه می‌توانند معنا کنند.

لازم به ذکر است که گرچه ترجمه و معنا کردن این سوره آسان است، اما عمل کردن به آن فوق‌العاده مشکل است. اگر فردی یا جامعه‌ای به دستورات، مفاهیم و مضامین این سوره عمل کند، می‌تواند به سعادت دنیا و آخرت نائل شود.

قرآن کریم در سوره عصر می‌فرماید: قسم به عصر که همه انسان‌ها در دنیا و آخرت بدبخت هستند؛ مگر یک طایفه، و آن‌ها کسانی هستند که «#وَالَّذِينَ آمَنُوا؛ یعنی کسانی که مؤمن و شیعه باشند، البته نه تنها به صورت اسمی، بلکه آنان که طبق «#وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ؛ به عقاید حقه خود، عمل کنند و به تشیع پایبند باشند. کسانی که به همه واجبات و مستحبات اهمیت دهند و از گناه اجتناب کنند. این یک بال حرکت و صعود است. بال دوم «#وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ؛ است. یعنی امر به معروف و نهی از منکر داشته باشند. آنچه خود دارند به دیگران بگویند. اعتقادات حقه را، نه فقط به فرزندان، بلکه به همگان یاد دهند. آنچه که خود عمل می‌کنند، از دیگران هم بخواهند که عمل کنند.

اگر در هر جامعه‌ای، این سوره مبارکه حکم فرما شود، آنگاه آن جامعه، بهشتی خواهد شد. حکومت امام زمان^{171#&}؛ ارواحناده^{raquo&}؛ پس از ظهور آن حضرت، بهشت دنیا را برای مردم به ارمغان می‌آورد. علت این امر، معجزه نیست، بلکه به خاطر عمل به دستورات قرآنی، بالاخص این سوره مبارکه است. در حکومت سراسری اهل بیت^{171#&}؛ س^{raquo&}؛ در دوران ظهور و دوران رجعت، به آیات نورانی قرآن کریم و از جمله به سوره^{171#&}؛ عصر^{raquo&}؛ عمل می‌شود و در نتیجه، زندگی مردمان به زندگی منهای فقر، تبعیض، نارسایی، ظلم و ستم مبدل شده، زندگی آنان سرشار از آرامش و آسایش و برخوردار از رفاه و امنیت خواهد شد.

عمل به این سوره، در هر عصر و زمانی، رافع مشکلات خواهد بود و تمام گرفتاری‌ها را از بین می‌برد. الان نیز در نظام جمهوری اسلامی، اگر صد درصد به مفاهیم بلند این سوره مبارکه عمل شود، آنگاه تمام مشکلات رفع می‌شود و تمام گرفتاری‌ها از بین می‌رود و یک زندگی صد درصد رفاهی برای مردم فراهم می‌گردد.

لذا چون مسلمانان صدر اسلام، اثر این سوره را در زندگی حس کرده بودند، به جای تعارفات معمول، که گاهی پر از دروغ و تملق است، این سوره را برای یکدیگر قرائت می‌کردند.

همان‌گونه که بیان شد معنای ظاهری سوره عصر آشکار است، اما از نظر عمل، عمل کردن به آن مشکل است. زیرا از نظر این سوره، شیعه حقیقی و نجات یافته کسی است که دو بال داشته باشد. یک بال آن است که از نظر اعتقادی به اسلام پایبند باشد و از نظر عمل به اعتقاداتش عمل کند و بال دوم آن است که در زندگی شخصی، خانوادگی و اجتماعی، امر به معروف و نهی از منکر داشته باشد. اگر اجتماعی به این دستور انسان‌ساز عمل کند، سعادت‌مند است و یک زندگی صد درصد رفاهی برای آن فرد و خانواده و اجتماع او پدیدار می‌شود.

معنای عصر

در ابتدای این سوره، خداوند متعال به^{171#&}؛ عصر^{raquo&}؛ قسم خورده است. درباره معنای حقیقی کلمه^{171#&}؛ و^{العصر}؛ بحث‌های زیادی مطرح شده است. درباره این که معنای قسم به عصر چیست و^{171#&}؛ عصر^{raquo&}؛ چه معنایی دارد، مفسرین اقوال و احتمالات مختلفی را نقل کرده‌اند. مثلاً بعضی به قرینه اینکه در دیگر آیات قرآن کریم، به اوقاتی از شبانه روز، مانند صبح و ظهر قسم یاد شده است، آن را اشاره به همان وقت^{171#&}؛ عصر^{raquo&}؛ می‌دانند. یا برخی دیگر آن را اشاره به سراسر زمان و تاریخ بشریت دانسته‌اند که در طول آن، انسان‌های فراوانی دچار ضرر و خسران شده‌اند و توجه به تاریخ، مایه عبرت و پند است. برخی معنای عصر را با همان ریشه لغوی معنا کرده‌اند که به مفهوم^{171#&}؛ فشردن^{raquo&}؛ و فشار دادن است. وقتی پارچه‌ای را آب بکشید و فشار دهید، به این کار در لغت عرب^{171#&}؛ عصر^{raquo&}؛ گفته می‌شود.^[1] بر این اساس، برخی مفسرین گفته‌اند: سعادت بشر در زندگی، مرهون تحمل فشار و سختی است.

با توجه به آیات و روایات مختلف، معانی دیگری نیز برای این کلمه و قسم می‌توان متصور شد که شرح آن در این مختصر نمی‌گنجد،

ولي به تناسب بحث این جلسه، به چند معنای کلمه «عصر؛ به صورت فشرده و مختصر اشاره می‌شود.

قبل از ورود به بحث، ذکر این نکته حائز اهمیت است که همه معنای کلمه «عصر؛ می‌تواند در این آیه جمع باشد و معنای و مفاهیم متعدّد آن تضادّی با هم ندارند؛ زیرا الفاظ قرآن کریم، قالبی برای معنای عامّ است و این آیه کوتاه، همه آن معنای را در خود جای داده است.

شرح پنج معنا از معنای واژه عصر

معنای اوّل: بعضی مراد از عصر را «نمار عصر؛ می‌دانند؛ زیرا اصل نماز در اسلام بسیار فضیلت دارد و در میان نمازها، نماز عصر از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. [2] بعضی از مفسّرین می‌گویند «وَالْعَصْرُ؛ یعنی قسم به نماز عصر و به عبارت دیگر قسم به نماز. قرآن کریم درباره نماز بالاخص نماز عصر، پافشاری دارد و می‌فرماید: «حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى؛ [3]

پس در این سوره هم به نماز، بالاخص نماز عصر قسم خورده شده است.

خداوند متعال با این قسم خود، به ما می‌فهماند که نماز بسیار مهم است. اگر کسی در زندگی به نماز اهمیت دهد و به راستی نماز در زندگی او نقش داشته باشد، همان نماز در گرفتاری‌ها یاریش می‌کند: «وَاسْتَعِثُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ؛ [4]

البته اهتمام به امر نماز، نیازمند خشوع و برقراری رابطه محکم با خداوند سبحان است و الا نماز برای عموم مردم، سنگین است.

معنای دوم: برخی از مفسّرین گفته‌اند منظور از «عصر؛ دوران و عصر پیغمبر اکرم؛«ص؛ است. اگر هر کدام از بزرگان، روزی مخصوص به خود دارند، پیامبر اکرم؛«ص؛ عصرها و روزها دارند. روزهایی که در آنها با تلاش و کوشش فراوان توانستند اسلام را پایه‌ریزی کنند و آن را تا رسیدن پرچمش به دست حضرت مهدی؛«ارواحنا فداه؛ و گسترده شدن در همه زمین، امتداد دهند. «وَالْعَصْرُ؛ یعنی قسم به روزهای مبارک پیغمبر اکرم؛«ص؛ که شرک و بت‌پرستی، خرافات، ظلم و فساد را برچیدند و اسلام را به جهانیان معرفی کردند.

معنای سوّم: عده‌ای عصر را به معنای دوران امامت و حکومت امام زمان؛«ارواحنا فداه؛ می‌دانند. روزی که حکومت عدل اسلامی سراسر جهان را تحت سیطره خود درمی‌آورد و هیچ ظلم و ستمی در عالم باقی نمی‌ماند. روزی که بهشت موعود دنیا در حکومت حضرت ولی عصر؛«ارواحنا فداه؛ ایجاد می‌شود و همه امکانات برای رشد و تعالی بشریت فراهم می‌گردد و انسان‌ها از نظر علم و قدرت و فضیلت، به کمال می‌رسند. این دوران، عصر حضرت بقیّة الله الاعظم؛«ارواحنا فداه؛ است. از ابتدای خلقت تا زمان ظهور، مقدّمه‌ای برای دوران پس از ظهور است. صد و بیست و چهار هزار پیامبر آمدند و مقدّمات آن دوران باشکوه را فراهم کردند. تمام تلاش‌های نبی اکرم؛«ص؛ و ائمّه طاهرین؛«س؛ برای آن ذی المقدمه بوده است. تلاش‌ها، تحمّل سختی‌ها، تحمّل زحمت‌ها و رشادت‌ها در دوران حیات همه انبیاء و اولیاء، برای آن بوده که روزی

حضرت ولي عصر¹⁷¹؛ ارواحناده^{راquo}؛ ظهور فرمايند و پرچم اسلام را سراسر زمين افراشته فرمايند و يك زندگي اسلامي به معنای حقيقي، براي همه بشريت ايجاد شود. و پس از آن، ميليون ها سال، در دوران رجعت، زندگي سالم و مترقي براي بشريت رقم بخورد.

از نگاه عرفاني نيز، ايجاد و خلقت همه موجودات، با ظهور امام عصر¹⁷¹؛ ارواحناده^{راquo}؛ معنادار مي شود. اگر حكومت آن حضرت و پس از آن حكومت هزاران ساله ائمه طاهرين¹⁷¹؛ س^{راquo}؛ نباشد و دنيا به بهشتي براي همه موجودات تبديل نشود، بايد بگوئيم خلقت و حتي بعثت انبياء لغو بوده است. حيات فعلي انسان ها كه در يك دوره مثلاً صدساله واقع مي شود پر از زحمت و رنج و مشقت است. اگر زندگي دنيايي به همين معنا ختم شود، حياتي عبث خواهد بود؛ در صورتي كه كار لغو و بيهوده در نظام حكميانه خلقت، وجود ندارد:

&171؛ اُفَحَسِبْتُمْ اُتَمَّا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَ اَنْتُمْ اِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ[5؛راquo]

بنابراين، قسم به عصر يعني: قسم به عصر امام زمان¹⁷¹؛ ارواحناده^{راquo}؛ و قسم به عصر حكومت اهل بيت¹⁷¹؛ س^{راquo}؛ كه حضرت زهرا¹⁷¹؛ س^{راquo}؛ همه كاره جهان است. قسم به آن عصري كه مصحف فاطمه، قانون اساسي براي جهان است. قسم به عصري كه تنها امام حسين¹⁷¹؛ س^{راquo}؛ بيش از هزار سال حكومت جهاني مي كنند. قسم به آن زماني كه گناه و ظلم و ستم از جهان برداشته شده و به جاي آن، فضيلت در جهان حكم فرما مي شود. قسم به زماني كه يك زندگي منهاي فقر و يك زندگي منهاي تبغيض و يك زندگي منهاي غم و غصه و دلهره و اضطراب خاطر و خلاصه يك زندگي همراه با امنيت و فضيلت برقرار مي شود. مسلماً قسم خوردن به اين زمان، اهميت دارد و قسم الهي به آن، به جا است.

اين معنا از كلمه عصر، از دو معنای قبلي رساتر و براي شيعةان، دلنشين تر است.

معنای چهارم: عبارت &171؛ وَالْعَصْرُ؛راquo؛ يعني قسم به كار و تلاش و كوشش. چهارمين معنا براي &171؛ وَالْعَصْرُ؛راquo؛ معنای رسايي است كه مفسرين كمتر به آن پرداخته اند. درحالي كه معنای والايبی است و از سه معنای قبلي رساتر است. هر كسي، هر چه به دست مي آورد و به هر مقامي مي رسد، در اثر كار و تلاش است. اگر پيغمبر اكرم¹⁷¹؛ ص^{راquo}؛ در مدت بيست و سه سال با وجود همه سختي ها و مشكلات توانستند اسلام را پياده كنند، بر اثر تلاش هاي فراوان و كار و كوشش شبانه روزي ايشان بود. اگر امام زمان مي توانند به دست شيعةان حكومت جهاني تشكيل دهند، بر اثر تلاش و كوشش است. كسب فضائل، پيمودن راه هاي كمال، اعم از مادي و معنوي، و نيز نيل به بهشت الهي، در اثر كار و كوشش است. اين معنا از كلمه عصر، با آيات بعدي نيز بسيار تناسب دارد. اگر با اين نگاه بخواهيم سوره را ترجمه كنيم، معنای آيات چنين مي شود:

قسم به كار، قسم به اين ناموس طبيعت، قسم به تلاش و كوشش و صبر و استقامت! همه انسان ها ورشكسته هستند، مگر كسي كه با تلاش و كوشش بتواند مؤمن واقعي باشد. با تلاش و كوشش بتواند دو بال براي خود درست كند، يك بال عمل و يك بال امر به معروف و نهي از منكر و با اين دو بال پرواز كند و به جايي كه به جز خدا نداند، برسد.

معنای پنجم: معنای ديگري كه براي &171؛ وَالْعَصْرُ؛راquo؛ بيان شده و نيازمنند يك ذوق عرفاني است، آن است كه &171؛ وَالْعَصْرُ؛راquo؛ يعني قسم به عصاره عالم خلقت. &171؛ عصر؛راquo؛ به معنای &171؛ عصاره؛راquo؛ است و عصاره عالم

خلقت، قطب عالم امکان و محور عالم وجود و واسطه بین غیب و شهود، کسی جز حضرت ولی عصر¹⁷¹؛ ارواحن افاده¹⁷¹؛ نیستند.

این معنا از کلمه عصر، با احوال پرستی مسلمانان که به جای تعارفات معمول برای یکدیگر می خواندند، تناسب بیشتری دارد. این معنا با گفتار و کرداری که پیامبر اکرم¹⁷¹؛ ص¹⁷¹؛ به طور مداوم و مکرر به مسلمان آموخته اند تناسب زیادی دارد؛ زیرا پیغمبر اکرم¹⁷¹؛ ص¹⁷¹؛ در هر فرصتی راجع به امام زمان صحبت می کردند و مسائل مختلف مهدویت را تبیین می فرمودند.

تأکید پیامبر اکرم(ص) بر قضیه مهدویت

قضیه مهدویت، از مشهورترین قضایا در اسلام است که بیش از ده هزار روایت دارد. روایات فراوانی در کتب شیعه و اهل سنت، تنها از پیامبر اکرم¹⁷¹؛ ص¹⁷¹؛ نقل شده است که آن حضرت، در مواقع مختلف به تبیین مسئله مهدویت پرداخته اند. مثلاً در واقعه غدیر خم، در ضمن تبیین مسئله ولایت و امامت امیرالمؤمنین¹⁷¹؛ س¹⁷¹؛، به شرح و بیان مسئله مهدویت پرداخته اند.

در روایات اهل سنت، بیش از هزار روایت در مورد حضرت مهدی¹⁷¹؛ ارواحن افاده¹⁷¹؛ نقل شده است و بزرگان آنها، کتاب هایی نیز در این باب تألیف کرده اند. در بین روایات شیعه نیز چندین هزار روایت وجود دارد که در آنها، از زوایای مختلف، پیامبر اکرم¹⁷¹؛ ص¹⁷¹؛ به مسئله مهدویت پرداخته اند و کتاب های مختلف و مفصلی نیز در این باره تدوین و تألیف شده است.

مهدویت از نگاه اهل سنت

برخی از اهل سنت، نه تنها کتاب یا فصل مفصلی از کتاب خود را درباره امام زمان نوشته اند، بلکه گاهی ادعای تشرّف نیز کرده اند. مثلاً ابن عربی به عنوان یک عارف ظاهر¹ سنی، در فتوحات مکیّه، یک فصل مفصل که بیش از صد صفحه است را به امام زمان اختصاص داده و خصوصیات آن حضرت را بیان کرده و از جمله ادعای رؤیت و تشرّف کرده است.

ابن صباغ مالکی یک کتاب مستقل درباره ائمه معصومین و از جمله امام زمان¹⁷¹؛ س¹⁷¹؛ دارد و در آن، روایات مختلفی را نقل کرده است. لذا اهل سنت، هم راجع به خصوصیات امام زمان از پیغمبر اکرم روایت نقل کرده اند و هم در حکایت ها و کتب تاریخی خود، و همچنین در کتاب های اصولی و عرفانی خود، راجع به مهدویت سخن گفته اند.

لزوم توجه بیشتر به مسئله مهدویت

شیعیان و بالخصوص بزرگان و علماء شیعه نیز درباره مسائل مختلف مربوط به مهدویت، بسیار تلاش کرده اند. البته شیعیان، خصوصاً در زمان ما، درباره تبیین مسأله مهدویت، آن چنان که شایسته است، کار نکرده اند. در زمان های گذشته کتاب های خیلی خوبی از زمان غیبت صغری تا کنون تألیف کرده اند، ولی در دوران متأخر، کتاب های شایان توجه کمتر به چشم می خورد.

انتظار می‌رفت در زمان برقراری جمهوری اسلامی بیش از این در زمینه ترویج مهدویت تلاش و کار فرهنگی شود، ولی نشد و اگر هم کتابی در این زمینه نوشته شده، معمولاً خیلی مختصر و به صورت فارسی بوده و برگرفته از کتاب‌های بزرگان است. در حالی که پیش از این وقتی کتابی می‌نوشتند، چه عربی و چه فارسی، بسیار دقیق و پرمحتوا بود که از نظر کیفیت و کمیت مورد توجه قرار می‌گرفت.

از جمله واجبات برای هر شیعه‌ای آن است که درباره این دردانه هستی که «سُئَالَةُ التَّيِّينِ« هستند، مطالعه و تفکر داشته باشند. ایشان قطب دایره امکان و محور عالم وجودند که همه هستی طفیل وجود مبارکشان است، چنان‌که در زیارت جامعه می‌خوانیم:

«بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتِمُ وَ بِكُمْ يُنْزَلُ الْعَيْثُ وَ بِكُمْ يُمَسِّكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ بِكُمْ يُنْقَسُ الْهَمُّ وَ يَكْشِفُ الضُّرُّ«[6]

امام زمان، واسطه فیض در زمان حاضر

بر اساس روایات فراوان و نیز طبق تصریح زیارت جامعه که بهترین و صحیح‌ترین زیارات است، اگر عالم پابرجاست به واسطه امام زمان و به واسطه عصاره خلقت است. اگر هم و غمی از کسی رفع می‌شود یا حاجتی برآورده می‌گردد، به واسطه ایشان است. خلاصه واسطه فیض این عالم، امام زمان«؛ ارواحنافداه« هستند. گرچه همه چهارده معصوم«؛ س«؛ واسطه فیض‌اند، اما در زمان ما، واسطه فیض عالم، امام زمان«؛ ارواحنافداه« هستند.

یکی از علمای بزرگ، در زمان قدیم در تخت فولاد خدمت امام زمان«؛ ارواحنافداه« رسیده بود و از آن حضرت درخواست «علم اکسیر« کرده بود. در حالی که یاد گرفتن علوم غریبه حرام است و گفت و شنود و تعلیم و تعلمش نیز حرام است. آن حضرت به او فرموده بودند: علوم غریبه به تو چه ربطی دارد؟ من به جای آن ختمی به تو یاد می‌دهم که بهتر از اکسیر است. بعد فرموده بودند: به پنج تن و امام زمان توسل پیدا کن و در توسل‌هایت بگو: «یا محمد یا علی یا فاطمه یا حسن یا حسین، یا صاحب الزمان ادرکنی و لا تهلکني«.

آن عالم نقل می‌کند: وقتی حضرت فرمودند: «ادرکنی«، به ذهنم خطور کرد که باید بفرمایند: «ادرکونی«؛ یعنی برای درخواست کمک از پنج نور مقدس، باید فعل جمع به کار ببریم، پس چرا ایشان فعل مفرد به کار برده و می‌فرمایند: «ادرکنی و لا تهلکني«؟! وقتی چنین تصویری کردم، امام زمان«؛ ارواحنافداه« تبسم کردند و فرمودند: همین است که گفتیم. برای اینکه واسطه فیض این عالم، فعلاً من هستم.

بر این اساس، اگر در زمان حاضر توسلی به پیغمبر اکرم«؛ ص«؛ یا سایر حضرات معصومین«؛ س«؛ بشود، فیض الهی به واسطه وجود مقدس امام زمان«؛ ارواحنافداه« به بندگان می‌رسد. به دست ایشان غم‌ها و غصه‌ها برطرف می‌شود و حوائج برآورده می‌گردد: «بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتِمُ وَ بِكُمْ يُنْزَلُ الْعَيْثُ وَ بِكُمْ يُمَسِّكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ بِكُمْ يُنْقَسُ الْهَمُّ وَ يَكْشِفُ الضُّرُّ«

از همگان، بالاخص جوانان تقاضا دارم که با این ختم، به امام زمان متوسل شوید و این ختم را زیاد بخوانید. همه افراد، حتی کسانی که سواد و تحصیلات کافی ندارند هم میتوانند این ختم را بخوانند و به پنج تن آل عبا و امام زمان متوسل شوند: «یا محمد، یا علی، یا فاطمه، یا حسن، یا حسین، یا صاحب الزمان ادرکنی و لا تهلکني«.

این ختم، علاوه بر آنکه آسان است، برای رفع هر حاجتی خوب، مؤثر و مجرب میباشد.

پی‌نوشت‌ها

=====

1. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج 10، ص 814.

2. ر.ک: مفاتیح الغیب (تفسیر فخر رازی)، ج 32، ص 278

3. بقره، 238.

4. بقره، 45.

5. مؤمنون، 115.

6. من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 615.